

[ 219 ] اينكه علتى از جانب تو داشته باشد، چگونه از جانب من علتى براى آن باشد. معبودا ! تو در ذاتت بى نيازى از اينكه بتو سودى از جانب خودت برسد، چگونه از من بى نياز نباشى، بارالها قضاء و قدر مرا آرزومند سازد، و ميل به اطمینانهای شهوت مرا اسیر ساخت، پس تو ياور من باش تا ياريم كنى و بينايم گردانى، و به فضل مرا بى نياز گردان، تا از تلاشم بى نياز گردم. تو كسى هستى كه انوار معرفت را در قلوب اوليائت تاباندی تا تو را شناختند و به يگانگی ستودند، و تو كسى هستى كه نامحرمان را از دلهای دوستان خارج ساختی تا غير تو را دوست نداشته باشند، و به غير تو پناه نبرند، تو مونس آنانی هرگاه جهانيان ايشان را به وحشت اندازند، و تو كسى هستى كه هدايتشان كردی هر جا كه نشانه ها برايشان آشكار شد. چه يافت آنكه ترا گم كرد، و آنكه تو را يافت ديگر چه گم شده آي دارد، به يقين زيان كرد آنكه جز به تو رضایت داد و جز تو را برگزید، و زيانكار شد آنكه از تو گذشت و به ديگران رسيد، چگونه بنده به غير تو اميد بندد در حالیکه احسان خویش را از او دریغ نکرده آي، و چگونه به غير تو بياویزد در حالیکه عادت خویش به محبت و بخشش را تغییر نداده آي.

---